

مطالعه جامعه‌شناختی پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

محمدحسن شربتیان*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۱/۱۷

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۴/۱۴

چکیده:

پیوست فرهنگی نقش بارزی در حذف تأخر فرهنگی جامعه شهری دارد. ارزیابی و آموزش‌های فرهنگی مستمر در حوزه اجرای پروژه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیباسازی و عمرانی شهر در این راستا مورد اهتمام خواهد بود. این فرایند در جامعه شهری در جهت حفظ میراث فرهنگی شهر، استمرار شیوه زندگی اسلامی و ایرانی جامعه شهرنشین، تقویت ارزش‌های والای انسانی، تداوم اعتقادات، ارزش‌ها، تقویت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، پرورش استعدادها، خلاقیت‌ها و نوآوری شهروندان، ارتقای اخلاق شهری، پایه‌ریزی یک هویت شهری و... را به عنوان اصول پایدار در حوزه مدیریت شهری همراه با دیگر کاربست‌ها به دنبال خواهد داشت. این فرایند در جامعه شهری ما با هدف افزایش پیامدهای مثبت فرهنگی پروژه‌های عمرانی، فرهنگی و اجتماعی در حال اجرا، کاهش آسیب‌های فرهنگی طرح‌های مدیریت شهری، برنامه‌ریزی دقیق اجتماعی و فرهنگی جامعه شهری ایران در راستای تقویت توسعه پایدار فرهنگ جامعه اسلامی باید شکل گیرد. مدیریت شهری، در کنار پاسداشت ارزش‌های حاکم بر شهرها، باید سعی کند مشارکت پایدار شهروندان را در جهت نهادینه کردن این فرایند تثبیت کند. بنابر این، نهادینه‌سازی نظم فرهنگی از طریق این فرایند در این حوزه، منجر به پیشرفت پایدار زندگی جامعه شهرنشین خواهد شد. با توجه به این امر و با تأکید بر مروری بر یافته‌ها و با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، راهکارها و راهبردهای جامعه‌شناختی این فرایند در حوزه مدیریت شهری مورد تأمل قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: پیوست فرهنگی، توسعه فرهنگی، فرهنگ، هویت فرهنگی، مدیریت شهری.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور و عضو انجمن جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ایران.

مقدمه

پیوست فرهنگی از مفاهیم بنیادی و راهکارهای اساسی است که در راستای راهبردی مفاهیم «مهندسی فرهنگی، رصد فرهنگی و مدیریت فرهنگی» توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶ در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی مطرح شده است. علاوه بر این، مراکز عمده سیاستگذاری در جامعه اسلامی ایران، از جمله حوزه مدیریت شهری (شهرداری‌ها) و شوراهای اسلامی شهر، این مفهوم فرهنگی را باید سرلوحه فعالیت‌های اقتصادی، زیباسازی، اجتماعی و عمرانی محلات شهری خود قرار دهند و اذهان بسیاری از مراکز علمی، تحقیقاتی و پژوهشگران را در این زمینه، معطوف به اهداف مدیریتی خود کنند. اشتراک تمام رویکردها و عملکردهای سازمانی و نهادینه‌شده این فرایند در جامعه، توجه به بُعد عملیاتی و تأثیرگذاری عملکرد این نظام‌نامه در عرصه مدیریت فرهنگی کشور، از مهم‌ترین شاخص‌های اساسی گسترش عملی و کاربردی این فرایند در بین حوزه‌های مختلف مدیریت شهری است.

طرح مسئله

هر جامعه‌ای در روند رو به توسعه پایدار و همه‌جانبه خود در جهت تأمین نیازها و خواسته‌هایش، باید به تمام اجزای توسعه پایدار خود توجه کامل داشته باشد؛ در غیر این صورت، دچار عقب‌ماندگی و تأخر فرهنگی خواهد شد. بر این اساس، از بُعد جامعه‌شناسی «از آنجایی که الگوهای فرهنگی یک جامعه از شیوه‌های رفتاری، نهادها و سایر عناصر به هم پیوسته و منسجم تشکیل شده است، تغییر در بخشی از فرهنگ (اختراع، رشد جمعیت یا پیدایش هر چیز نو یا متفاوت) سبب ایجاد تغییرات، تنش‌ها و فشارهایی در سایر قسمت‌های فرهنگ خواهد شد. در این حالت، ضرورت یا نیاز به تطابق و تنظیم مجدد، که سبب خواهد شد تا فرهنگ به تعادل جدید برسد، احتمالاً منجر به دگرگونی‌های تطابقی خواهد شد. اما این فرایند تعادلی معمولاً خیلی سریع بروز نمی‌کند و ممکن است فاصله زمانی زیادی وجود داشته باشد تا یک جزء عقب‌مانده فرهنگ بتواند به سایر قسمت‌ها برسد و یکپارچگی فرهنگی حاصل شود. به ویژه در عصر جدید، اغلب طرح‌ها و نوآوری‌ها چنین وضعیتی دارند. جامعه‌شناسان این حالت را تأخر فرهنگی می‌نامند» (محسنی، ۱۳۷۸: ۹۶-۹۵)





با توجه به چنین غفلی که در طرح‌های توسعه پایدار جامعه شهری در تمام عرصه‌ها می‌توان مشاهده کرد، ضرورت فرهنگ و پیوست رفتاری آن باید در شهرها مورد اهتمام قرار گیرد. بنابر این، پیوست فرهنگی عبارت است از: «فرایند تعیین، پیش‌بینی، ارزیابی و آگاه‌سازی در خصوص تأثیرات احتمالی فعالیت یا سیاست جاری پیشنهاد شده بر زندگی، نهادها و منابع فرهنگی. از این طریق، پیوست فرهنگی با هدف کاهش تأثیرات مخرب و افزایش نتایج مثبت، یافته‌ها و نتایج را در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی وارد می‌سازد» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱)

متأسفانه نگاه مدیریت اجرایی شهرها در اجرای کاربردی طرح‌های توسعه‌مند، بیشتر سیاسی، اقتصادی، عمرانی و منفعت‌طلبانه است و به دلیل فقدان دیدگاه مدیریت فرهنگی حاکم بر اجرا و نظارت دقیق و مشارکت‌طلبانه شهروندان، در حال حاضر توسعه فرهنگی در حوزه مدیریت شهری مورد غفلت قرار دارد. به عبارت دیگر؛ «معمولاً هر وقت از توسعه در یک جامعه نام برده می‌شود، آنچه به ذهن متبادر می‌شود، توسعه در بخش‌های عمرانی و اقتصادی و حداکثر سیاسی است و معمولاً مقوله فرهنگ مورد غفلت قرار گرفته و به رابطه فرهنگ با ابعاد دیگر توسعه توجهی نمی‌شود» (رضایی، ۱۳۸۸: ۱)

توسعه در جامعه حال حاضر ما، بعد از انقلاب و پایان جنگ تحمیلی، در شهرهای ما بیشتر به سمت رویارویی ارزش‌های انقلاب اسلامی و فرهنگ ایرانی، اسلامی با فرهنگ غربی گرایش یافته و باعث تضادها، تصادم‌ها و برخورد در فرهنگ عمومی جامعه شده است. چنین نگاه تخصص‌برانگیزی نسبت به فرایند توسعه، منجر به تدوین پیوست‌نگاری فرهنگی پایدار با محوریت هویت ایرانی - اسلامی در هر حوزه، از جمله عرصه مدیریت شهری شده است. با توجه به این مسئله، فرایند اجرای پیوست فرهنگی در جامعه شهری برای برون‌رفت از این خلأ تضاد برانگیز و رسیدن به توسعه شهری پایدار با محوریت فرهنگ اسلامی برای جامعه ما که دارای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه یافته است، باید مورد اهتمام قرار گیرد. بر این اساس، سؤال اساسی این است که اجرای پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری دارای چه نقش و وظایفی است؟ پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری کارساز در پیوند مدیریت راهبردی و اجرایی شهرها دارای چه اثراتی است؟ مهم‌ترین راهکارها و راهبردهای بسترسازی این فرایند در مدیریت اجرایی، راهبردی و فرهنگی شهر چیست؟

ضرورت پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

فرهنگ از زیربنایی‌ترین بخش‌های هر جامعه و واسطه تمدن و اندیشه در جوامع بشری است؛ به طوری که اندیشه، زیربنای فرهنگ و فرهنگ زیربنای تمدن است. فرهنگ هر جامعه‌ای از اندیشه و نیروی تفکر در آن جامعه مدد می‌گیرد و به تمدن به عنوان روبنای خود مدد می‌رساند. البته این سخن به معنای این نیست که رابطه میان اندیشه و فرهنگ، رابطه‌ای یک‌سویه است، بلکه «رابطه‌ای تقدیمی میان اندیشه و فرهنگ وجود دارد. هر چند در تحلیل نهایی این اندیشه است که خصلت تعیین‌کنندگی دارد. ولی به هر حال، رابطه‌ای دوسویه بین فرهنگ و اندیشه وجود دارد و فرهنگ و اندیشه از یکدیگر تأثیر پذیرفته و بر همدیگر تأثیر می‌گذارند» (فردرو، ۱۳۸۸: ۲۳). همین جایگاه واسطه فرهنگ در بین اندیشه و تمدن، نشان از اهمیت این پدیده در زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد. دقیقاً به دلیل چنین جایگاهی است که در جوامع انسانی برای فرهنگ اهمیت شایانی قائل شده‌اند و در دنیای کنونی، مسائلی مانند مدیریت فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و توسعه فرهنگی و اخیراً مهندسی فرهنگی در عرصه‌های متفاوت از جمله حوزه مدیریت شهری اهمیت زیادی پیدا کرده است.

فرایند پیوست فرهنگی حوزه مدیریت شهری در راستای مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی شهرها، حامل پیام ویژه‌ای برای عملیاتی کردن ایده‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی شهرهاست که در فضای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و عمرانی شهرها محقق می‌شود. «اجرای پروژه‌های عمرانی، اقتصادی و به طور کلی سیاست‌های توسعه‌ای در جامعه، باعث ایجاد تغییرات و دگرگونی‌هایی در حوزه‌های مختلف اجتماعی می‌شود. این تغییرات در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در مواردی ملموس و بی‌واسطه است؛ زیرا هدف از اجرای پروژه‌های عمرانی، دستیابی به تغییرات و دگرگونی‌های مشخصی در این حوزه‌هاست. از همین رو، زمانی که راهی ساخته یا سدی احداث می‌شود، این اقدامات برای حل دستیابی به هدف معینی انجام می‌شود. بنابر این، در اجرای هر پروژه و اعمال هر سیاستی، اهداف مشخص و مورد نظری وجود دارد و انتظار می‌رود اجرای پروژه و پیامدهای حاصل از آن، منجر به حل مسئله و ارتقای کیفیت زندگی اعضای جامعه هدف شود. ... بنابر این، پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی از یک‌سو در زمینه فرهنگی معینی اجرا می‌شوند و تحت تأثیر آن قرار دارند و شیوه زندگی





افراد جامعه را تغییر می‌دهند. تهیه پیوست فرهنگی، شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی مهم و تأثیرات عمده این مؤلفه‌ها بر طرح‌ها و سیاست‌های اقتصادی است». (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱)

پروژه‌های عمرانی و اقتصادی هنگامی که در جامعه شهری ما اجرا می‌شوند، به دو گونه با فرهنگ ربط پیدا می‌کنند. حالت اول، عدم تناسب طرح‌های خدماتی، عمرانی و اقتصادی با شیوه زندگی شهری یا فرهنگ محلات شهری است که از این طرح‌ها استفاده می‌کند و باعث ناکارآمدی و غیر قابل استفاده ماندن طرح‌ها می‌شود. به عنوان مثال، متأسفانه محلاتی که دچار حوادث طبیعی (سیل و زلزله و...) می‌شوند، مدیران شهری برای اینکه فشار جامعه خسارت‌دیده و فشارهای دولتی را کم کنند، با اجرای طرح‌های عمرانی و اقتصادی شتابزده و بدون در نظر گرفتن ساختار فرهنگی محلات، فشار و مسائل مشکلات شهروندان آسیب‌دیده را بیشتر می‌کنند. بنابر این، مدیران حوزه شهری، قبل از اجرای هر طرح و پروژه اقتصادی یا عمرانی، باید در راستای بسترسازی فرهنگی بهره‌برداری از طرح، بر روی افکار و نگرش شهروندان محلات، فعالیت‌های فرهنگی انجام دهند. چنین فرایندی، ضرورت و اهتمام تهیه شیوه‌نامه پیوست فرهنگی را برای هر طرح اقتصادی و عمرانی در جامعه شهری امروز ما بیشتر می‌نمایاند. در حالت دوم، اجرای پروژه‌های اقتصادی و اعمال سیاست‌های توسعه‌ای، بر فرهنگ محله اثرگذار است و باعث دگرگونی در متغیرهای فرهنگی محله‌ها خواهد شد. این تغییرات، طیفی از ارزش‌ها و باورهای شهروندان را تا از بین رفتن منابع و زیرساخت‌های فرهنگی شامل خواهد شد، حتی اگر افراد جامعه شهری ما در برابر این تغییرات واکنشی و مقاومتی نشان ندهند. به عنوان مثال، تبدیل واحدهای مسکونی جامعه شهری به آپارتمان‌نشینی در کلانشهرها و شهرستان‌های کوچک که بدون مقاومت مردم انجام می‌شود، منجر به این شده که فرهنگ محله‌ای و ارزش‌های همسایگی تغییر شدیدی بکند. بنابر این، لازم است قبل از اجرای این طرح‌ها در سطح جامعه شهری، مدیران به شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی پرداخته، با توجه به معیارهای به دست آمده به اجرای طرح‌های عمرانی و اقتصادی اقدام کنند. بنابر این، تهیه پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری، امری مورد اهتمام و ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این ضرورت، مقام معظم رهبری در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور بیان فرموده‌اند: «توسعه‌یافتگی با جایگاه اول اقتصادی،



علمی، فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل خواهد بود. بر این اساس، مدیران اجرایی و فرهنگی کشور با تأکید بر هویت انقلابی، اسلامی و ایرانی باید در کنار اجرای طرح‌های اقتصادی و عمرانی، پروژه‌های فرهنگی استفاده از آن طرح، قبل و بعد از اجرای پروژه را دائماً مورد نظارت قرار داده و نقاط ضعف آن را بیوشانند و نقاط قوت آن را مستمراً مورد تقویت و ارزیابی قرار دهند». (فردرو، ۱۳۸۹: ۲۴)

تهیه پیوست فرهنگی در حوزه طرح‌های مدیریت شهری، کمک لازمی به توسعه پایدار و همه‌جانبه شهرها خواهد کرد. بر این اساس، چشم‌انداز توسعه پایدار مبتنی بر فرهنگ دینی، اسلامی، ایرانی و بومی با قابلیت‌های بسیار بالا در شهرها، ایجاب می‌کند که از هم اکنون برنامه توسعه متوازن و همه‌جانبه اجتماعی با محوریت فرهنگ در طرح‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت مورد توجه مدیران شهری قرار گیرد. عدم توجه به روند متناسب‌سازی فعالیت‌های جاری در ابعاد اجتماعی، عمرانی، فرهنگی و اقتصادی شهرها با اهداف و محوریت بخشیدن به فرهنگ اسلامی، ایرانی و بومی، باعث رشد نامتوازن و از دست رفتن زمان به عنوان مهم‌ترین سرمایه غیر قابل برگشت برای جبران نابسامانی‌های شهری خواهد بود. با توجه به قابلیت‌های جامعه ایران به عنوان یک نظام دین‌محور، قبل از ظهور نابسامانی و بحران‌های ناشی از رشد نامتوازن، انجام مطالعات فرهنگی در شهرها در این حوزه و عرصه ضروری است. «بنابر این، طرح مطالعات پیوست فرهنگی و تهیه شیوه‌نامه آن در راستای هماهنگی توسعه‌های اجتماعی، عمرانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با محوریت فرهنگ غنی اسلامی، ایرانی و بومی باید امروز در توسعه پایدار شهری مورد توجه قرار گیرد؛ در صورت فقدان یا نادیده گرفتن این مطالعات در سطح جامعه شهری توسعه نامتوازن، رشد آسیب‌های فرهنگی و انحرافات اجتماعی را به وجود می‌آورد که جامعه را دچار بحران‌های اجتماعی و فرهنگی می‌کند و تمام دستاوردهای مثبت و عدالت‌محوری مدیران شهری را به چالش‌های عمیقی می‌کشاند». (نکویی‌فرد، ۱۳۹۱: ۱۵۴)

تجارب اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای مختلف جهان، به خصوص کشورهای اسلامی، نشان می‌دهد که عدم توجه به ابعاد رابطه صحیح بین قطب‌های توسعه با فرهنگ، علاوه بر آنکه میزان رشد کمی و کیفی رشد ملی را محدود می‌سازد، در بلندمدت

به دلیل توسعه نامتوازن باعث ایجاد عوارض منفی و بحران‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود. نارسایی تمامی ابعاد رشد و توسعه اجتماعی و کیفیت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری این ابعاد بر همدیگر، از آن جهت اهمیت دارد که با درک صحیح از مسائل توسعه می‌توان با اقداماتی آگاهانه، در مرحله نخست از خسارات احتمالی جلوگیری کرد و در مرحله دوم، راهبردهای سازگار و برخاسته از فرهنگ خودی را طراحی و در برنامه توسعه ساری و جاری کرد. کشورهای در حال توسعه اغلب، مراحل اولیه جهش به سوی توسعه را با تحرک شدید اقتصادی شروع می‌کنند و به همین دلیل، عمده توجه مسئولان به هدایت‌های کاربردی با گرایش صرفاً اقتصادی معطوف می‌شود. این امر کاملاً طبیعی است؛ زیرا شدت تغییرات و جهش‌های توسعه به قدری سریع است که در مراحل اولیه، فرصتی برای مطالعات بلندمدت در مورد شناسایی تحولات آتی باقی نمی‌ماند. اما پس از مدت‌زمانی که از اجرای طرح‌ها می‌گذرد، ضرورت شناخت تحولات ناشی از آثار و پیامدهای توسعه خود را می‌نمایاند.

نقش فرایند پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

نقش سازنده فرایند پیوست فرهنگی به این مسئله اشاره می‌کند که: «اول اهداف اصلی و غایی نظام اسلامی، بهبود مستمر و استقرار اعتقادات، ارزش‌ها و جهان‌بینی اسلامی در تمامی روابط جامعه و ارتقای اخلاقیات اصیل انسانی و اسلامی در بین تمامی آحاد جامعه است و از رهگذر اجرایی شدن پیوست‌های فرهنگی است که در روند تحقق این اهداف تسریع می‌شود. دوم) قدرت، مشروعیت و نفوذ جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران در شرایط امروز جهانی، در گرو رشد اعتقادات دینی و حفظ ارزش‌های اسلامی در بین کارگزاران، نخبگان و توده مردم است و اجرایی شدن فرایند پیوست‌های فرهنگی، زمینه‌ساز رشد اعتقادات و حفظ ارزش‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف است. سوم) حفظ و تقویت هویت ایرانی و اسلامی جامعه، در شرایطی که سرعت پیدا کردن فرایندهای جهانی شدن فرهنگ، می‌تواند هویت جوامع را به خطر اندازد، یکی دیگر از آثار ارزشمند اجرایی شدن پیوست فرهنگی است. چهارم) با شکل‌گیری یک جامعه توسعه‌یافته مبتنی بر اعتقادات اسلامی است که الگویی عملی و موفق برای حفظ هویت کشورهای اسلامی و ایجاد یک هویت مشترک برای مقابله با استکبار جهانی فراهم



می‌شود و این مهم وقتی فراهم می‌شود که ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی خود را در سازمان‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز عینیت بخشد» (بنیانیان، ۱۳۹۰: ۲۲)

از بُعد دیگر، این فرایند دارای نقش اصلاحی در جامعه است. در واقع؛ فرایند پیوست فرهنگی، نقش بنیادی در سازندگی کشور خواهد داشت. اجرای نظام‌نامه پیوست فرهنگی که در حال حاضر با تخریب احزاب و گروه‌ها روبه‌روست، از طریق نهادینه شدن الگوهای رفتار دینی و علوی می‌تواند کمک بارزی در کاهش تضادها و الگوهای رفتار مخرب سیاسی، فرهنگی، اجتماعی شهروندان و گروه‌های خاص جامعه داشته باشد. در واقع؛ نهادینه شدن و مشارکت همه‌جانبه و پایدار شهروندان به اجرای عملی و دقیق این فرایند کاربردی، نقش ارزنده‌ای در توسعه پایدار جامعه دارد.

از منظری دیگر، پیشرفت جامعه شهری ایران در عرصه‌های مختلف توسعه، به صورت نامتوازن بوده است و هر یک از دولت‌های انقلاب اسلامی بعد از جنگ تحمیلی، بر یک بُعد توسعه تأکید داشته‌اند. به همین دلیل، عدم توسعه متوازن، در کُندی پیشرفت پایدار شهرهای جامعه اسلامی بارز بوده است. از بُعد دیگر، درآمدهای سرشار نفت و تکیه بر صادرات نفتی، کمک عظیمی به توسعه نامتوازن جامعه شهری کرده است. همچنین عدم هماهنگی لازم بین عرصه‌های فرهنگی، عمرانی، اقتصادی و اجتماعی باعث شده که بخش اعظم استعدادهای درخشان مورد توجه قرار نگیرند و در نتیجه، پدیده مهاجرت نخبگان شکل بگیرد. اجرای قوانین بسیار دست و پا گیر یا حذف سیاسی و تکروری‌های دینی و ... موجب شده که در جامعه شاهد توسعه نامتوازن باشیم. «چنین عدم توسعه‌های در جامعه، فرهنگ عمومی جامعه را با خلأ و کاستی روبه‌رو کرده و سازمان‌ها و نهادهای جامعه و شهروندان، در برابر تهاجم فرهنگی به دلیل بهره‌گیری از ضعف‌های بنیادی و اساسی نتوانسته‌اند سازماندهی صحیحی را برای دستیابی به توسعه پایدار و صدور فرهنگ اسلامی و ایرانی خود در عرصه منطقه‌ای و جهانی داشته باشند» (فردرو، ۱۳۸۵: ۳۸). بنابر این، انتظار می‌رود اجرای کاربردی و عملی پیوست‌نگاری فرهنگی، جهش عظیمی را در جبران کاستی‌ها و کارشناسی فرهنگ ما در تمام عرصه‌ها به وجود آورد.

از تجربیات ۳۴ ساله نظام اسلامی ایران این است که شهروندان در عرصه‌های مختلف اجرایی کشور بدون هیچ‌گونه جهت‌گیری و غرض سیاسی وارد عرصه شده‌اند و مشارکت پایدار و فعالی را برای تثبیت نظام از خود به جا گذاشته و در استقرار نظام



ولایتمدار، حفظ سلامتی کارگزاران جامعه و ضرورت تعمیق و گسترش نظام تلاش کرده‌اند. اما در جامعه شهری، نمایندگان شورای‌های اسلامی و مدیران شهری ایران به واسطه گرایش‌های ذاتی سیاسی به جلب اکثریت در زمان انتخابات، به مسائل مردم توجه کرده و برای حل معضلات و مشکلات جامعه، راه‌های کوتاه‌مدت به جامعه تزریق کرده و به صورت جدی به این معضلات توجه کافی و شناخت عمیق نداشته‌اند، لذا راه‌های جامع‌تری را نیز برای آن‌ها در نظر نگرفته‌اند. شاید به دلیل همین نقص بوده که در راستای نقش اصلاحی پیوست فرهنگی، مباحثی چون: لزوم مهندسی فرهنگی، لزوم حضور شورا در مراحل تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، ضرورت تهیه طرح جامع تحول در نظام‌های آموزشی کشور و در آخرین تذکر خود از ضرورت وجود «پیوست فرهنگی» برای طرح‌ها و فعالیت‌ها سخن گفته‌اند. ایجاد اجبار قانونی در مجلس شورای اسلامی برای تهیه «پیوست فرهنگی» در همه طرح‌ها و لوایحی که به مجلس می‌آید یا در سطح هیئت دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌تواند گامی بلند در رفع حاشیه‌نشینی فرهنگ در فرایند مردم‌سالاری باشد. به عبارتی؛ تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌ها و لوایح، قانونی است که مردم‌سالاری دینی را تجلی عینی می‌بخشد.

از منظر دیگر، وقتی انتظار داریم با گذشت چند دهه از عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی، آثار شکل‌گیری تمدنی تازه را مشاهده کنیم، لازمه آن، حضور جهان‌بینی و اندیشه ناب اسلامی در تمامی نمادهای کلامی، ارتباطی، معماری، شهرسازی و ساختارها و سازمان‌های اداره‌کننده یک جامعه است؛ به ترتیبی که وقتی فردی خارجی وارد جامعه ما می‌شود، این تفاوت برای او مشهود بوده، احساس کند در بطن این جامعه، شکل متعادل و زیبایی از یک حیات متفاوت در حال شکل‌گیری است. پیش‌نیاز تحقق این امر، ایجاد یک فرهنگ منسجم اسلامی است تا به تدریج آثار این فرهنگ در سازوکارهای ظاهری جامعه تجلی پیدا کند. بنابر این، تهیه شیوه‌نامه پیوست فرهنگی در جامعه اسلامی ایران باید به عنوان دستورالعمل اجرایی و کاربردی سازمان‌ها و وزارتخانه‌های جامعه در هر شهر و منطقه‌ای متناسب با هویت فرهنگی حاکم بر منطقه قرار گیرد. «در حال حاضر، سرعت تغییرات در جامعه ما، موجب شده است که در بسیاری از موارد از جمله فرهنگ تغذیه، لباس پوشیدن، معماری، شهرسازی، زبان و ادبیات و نوع سازماندهی امور اجتماعی، مجموعه نامتعادل و بعضاً متضادی از انواع فرهنگ‌ها را



مشاهده نماییم و علاوه بر احساس بی‌هویتی در نسل جدید، روحیهٔ یأس و ناامیدی و باری به هر جهت، در بخش‌هایی از افراد جامعه ظاهر شود. ایجاد یک سازوکار منسجم مدیریت شده برای سیاستگذاری در نحوهٔ تدوین پیوست فرهنگی: طرح‌ها و پروژه‌ها، می‌تواند در یک روند تدریجی، بسیاری از این نابسامانی‌ها را حل و فصل نماید و بستر جامعه را برای ایجاد زیرساخت‌های تمدنی جدید، مبتنی بر اصول و اندیشهٔ اسلامی، همراه با بهره‌گیری از علوم و فناوری‌های جدید فراهم سازد» (رضایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶)

فرایند پیوست فرهنگی در حوزهٔ مدیریت شهری، اشاره به تأثیر فرهنگ بر زمینه‌های خدماتی، عمرانی و اقتصادی شهر دارد که این فرایند باید در برنامه‌ها و طرح‌های محله‌ای به اجرا گذاشته شود. در واقع؛ مدیران، دولتمردان و برنامه‌ریزان شهری در هر نقطهٔ شهر باید تا حد زیادی در کنش و واکنش با فرهنگ آن محله طرح‌های خدماتی، عمرانی و اقتصادی را به صورت مستمر و پایدار با تأسی از ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، توانایی‌های فکری و عملی موجود در فرهنگ بومی و محلی دائماً جامعهٔ شهری را نسبت به اجرای برنامه‌ها و طرح‌های قبل و بعد از عملیات اجرایی مورد نظارت قرار دهند و به تقویت فرهنگ و حل مسائل و مشکلات ناشی از ارزیابی‌های فرهنگی بپردازند. از بُعد دیگر، ارتقا و اعتلای فرهنگ جامعه در فرایند اجرای برنامه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

فرهنگ اسلامی، فرهنگ اصیل، ارزشی و ذاتاً مطلوب است که به زندگی معنا می‌بخشد. در واقع؛ هر گونه پیشرفت عمرانی، اقتصادی درون‌زا در جامعهٔ اسلامی، به صورت مستمر و پایدار نیازمند داشتن شهروندان فهیم، سرزنده، آگاه، درست‌کردار، ارزش‌گرا، دلسوز و فداکار و مسئول است و در تمام برنامه‌های اقتصادی، عمرانی و خدماتی شهرها لازم است فرهنگ را به عنوان مبداء همهٔ خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک جامعه مدّ نظر قرار داد. «بر این اساس، مفهوم پیوست فرهنگی در جامعهٔ شهری نظام اسلامی ایران، تقویت باورهای اسلامی و فضایل و ارزش‌های اصیل شریعت علوی و نبوی است. این فرایند با تأکید بر آرمان‌های دینی، ملی و بومی جامعهٔ به دنبال توسعهٔ دانش محلی و هنرهای متعهد ایرانی و اسلامی، فنون سنتی و آداب و رسوم صحیح اسلامی و ایرانی است» (فردرو و همکاران، ۱۳۸۰). فرایند پیوست فرهنگی به دنبال بسط رفتارهای متناسب جمعی و گسترش اخلاقیات درونی شده ارزش‌ها و تقویت هویت ملی و منش و کرامت انسانی افراد و تربیت شهروندان خدمتگزار، پاسداری و گسترش فرهنگ پر بار

اسلامی است. این فرایند از طریق آموزش‌های ارزشی و هنجاری در جامعه، به دنبال مبارزه با خرافات و کج‌اندیشی‌هاست. در واقع؛ فرایند پیوست فرهنگی با کجروی‌های دفاع از انسانیت و استقلال جامعه باید از طریق عناصر فرهنگی نظام جمهوری اسلامی مبارزه کند و باید چنین مبارزه‌هایی را در برنامه‌های اقتصادی، خدماتی و عمرانی شهرها مد نظر قرار داد.

فرایند پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری باید گزارشی از میزان تقویت ارزش‌های فرهنگی را ارزیابی کند. در واقع؛ طرح‌های عمرانی، خدماتی و اقتصادی حوزه مدیریت شهری نظام جمهوری اسلامی ایران باید موارد ذیل را پوشش دهد:

- تقویت مشروعیت الهی نظام اسلامی؛
- توجه به پایداری و استقلال نظام اسلامی؛
- تقویت کارآمدی نظام اسلامی؛
- افزایش مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان در راستای پیشرفت پایدار شهر؛
- بسط و گسترش عدالت اجتماعی و حمایت از محرومین و محلات کمتر توسعه‌یافته؛
- گسترش و تقویت وحدت کلمه و حبل‌المتین در بین شهروندان؛
- اشاعه خودکفایی و استقلال در حوزه مدیریت شهری، با توجه به منابع بومی و محلی؛
- تقویت روحیه ایثار و مصلحت جمعی به عنوان یک سرمایه اجتماعی در بین شهروندان جامعه اسلامی؛
- آموزش و ارزیابی مستمر مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری، به عنوان یک اصل اسلامی؛
- تقویت هویت ملی، دینی و بومی در بین شهروندان، به خصوص نسل جوان؛
- اهتمام به مبارزه با تهاجم فرهنگی، جنگ نرم و...؛
- ارزیابی احترام به قانون و انضباط اجتماعی به صورت مستمر و پایدار در بین شهروندان؛
- نفی مادی‌گری و تجمل‌پرستی در راستای منفعت و سودطلبی فردی در بین شهروندان؛
- خدمت‌رسانی به شهروندان در هر لحظه بدون وقفه؛
- حفظ سرمایه‌های فرهنگی، اعتماد اجتماعی و ملی، امنیت اجتماعی و ملی در بین شهروندان؛

- آموزش امید به آینده به خصوص در بین نسل نوجوان و جوان؛



- افزایش سرانه شاخص‌های سرمایه فرهنگی و اجتماعی شهروندان؛
- گسترش فضاها و تجهیزات فرهنگی در محلات شهری؛
- افزایش فعالیت‌های دینی و مذهبی و تشکل‌های اسلامی در جامعه شهری؛
- بسترسازی برای گسترش اطلاع‌رسانی داخلی و خارجی؛
- تولید و گسترش برنامه‌های فرهنگی - هنری متناسب برای شهروندان و گروه‌های مختلف جمعیتی؛
- غنی‌سازی و پویایی اوقات فراغت برای شهروندان، به خصوص نسل جوان؛
- توجه به آموزش‌های عمومی، دینی و ارتباطات فرهنگی در سطح جامعه شهری؛
- روزآمدی خدمات فناوری ارتباطی و فرهنگی در شهرها؛
- پاسداشت میراث فرهنگی و اسلامی در جامعه؛
- ارزیابی مستمر نگرش افکار عمومی شهر در مورد مسائل فرهنگی - اجتماعی؛
- ارتقای توانمندی‌های پایدار و مستمر شهروندان؛
- ارائه خدمات مشاوره‌ای و روانی به شهروندان؛
- رشد و توسعه پایدار زندگی شهروندان در راستای حذف محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محلات؛
- نظارت مستمر و پایدار بر عملکرد سازمانی مدیریت شهری؛
- تدوین استاندارد فرهنگی با سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های توسعه‌مند و پایدار جامعه شهری؛
- تقویت میزان احساس رضایت و حذف محرومیت اجتماعی در نقاط مختلف شهر؛
- توسعه احساس امنیت اجتماعی، فرهنگی و ملی برای شهرها؛
- تقویت امید و احساس هویت ملی و فرهنگی در بین شهروندان جامعه اسلامی؛
- افزایش نرخ دینداری
- ارتقاء اعتماد به مدیران شهری در بین شهروندان؛
- رواج ارزش‌های اخلاق‌پسندانه و کرامت انسانی در بین شهروندان؛
- افزایش دسترسی به کتابخانه‌ها و توسعه سرانه مطالعه و آگاهی در محلات شهری؛
- حمایت از صنایع فرهنگی - هنری مطابق با ارزش‌های ملی، بومی و هویت اسلامی در راستای گردشگری شهری؛



- توسعه مجموعه‌های فرهنگی و مراکز دینی در سطح محلات شهری؛
- حمایت از تولیدات در سطح سواد رسانه‌ای و فرهنگی در بین شهروندان؛
- حمایت از امکانات و تسهیلات تربیتی و ورزشی در سطح محلات شهری؛
- تقویت قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی شهری در بین شهروندان؛
- تقویت بهداشت و سلامت عمومی و اجتماعی در سطح محلات؛
- تقویت همبستگی اجتماعی در بین محلات و تحکیم فرهنگ عمومی در بین خرده‌فرهنگ‌های محله‌ای؛
- حفظ محیط زیست شهری و گسترش زیباسازی شهری در محلات؛
- تقویت نهاد خانواده و حمایت از همسرگزینی پایدار و ترویج ازدواج آگاهانه، ساده و هدفمند؛

- بسترسازی مشارکت پایدار شهروندان در محلات؛
- تقویت پاسداشت ارزش‌های انقلاب اسلامی و شرایط روز جامعه در سطح محلات؛
- تقویت خودباوری، پایداری ملی، نوآوری و استقلال در بین شهروندان؛
- جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و فساد اخلاقی، مالی و اداری در سطح شهرها.

اهداف پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

فرایند پیوست فرهنگی در عرصه مدیریت شهری جامعه ما باید با این هدف مورد اهتمام قرار گیرد که زمینه و شرایط پروژه‌های عمرانی، اقتصادی، زیباسازی و خدماتی را به نحو مطلوب برای استفاده مستمر و دائم شهروندان آماده کند تا در کنار این بهره‌برداری، ارزش‌ها و میراث فرهنگی جامعه را در سطح مادی و معنوی، در شهر حفظ شود. در واقع؛ هدف از این فرایند این است که سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات و مدیران پروژه‌های شهری، در قبال اثرات فرهنگی پروژه‌ها، مسئولیت‌پذیر باشند و تلاش خود را در راستای افزایش پیامدهای مثبت فرهنگی پروژه‌های در حال اجرا و اقدام‌های لازم در خصوص کاهش آسیب‌های فرهنگی در سطح منطقه مصرف دارند و به صورت دائم و مستمر، قبل از اجرا و بعد از بهره‌برداری طرح‌ها، با برنامه‌ریزی دقیق، اثرات فرهنگی- اجتماعی آن‌ها را پویا و پالایش کنند. هدف این فرایند فرهنگی این است که از طریق توسعه پایدار و پیشرفت همه‌جانبه شهر، آسیب‌های طرح‌های شهری را به حداقل



رسانده، از طریق نظارت دائم و مستمر، اثرات فرهنگی طرح‌های توسعه‌مند اقتصادی و عمرانی هویت فرهنگی و بومی شهر را بدون تغییر ارزش‌های واقعی اسلامی و ایرانی حفظ شود. هدف دیگر پیوست فرهنگی در عرصه مدیریت شهری، در کنار حفظ ارزش‌ها و میراث فرهنگی، این است که نظارت دقیق بر اجرای ساخت پروژه‌های شهری را همراه با زمینه‌سازی صحیح اعتلای فرهنگ شهری مد نظر داشته باشد. با توجه به این اهداف و در راستای اولویت‌دهی به فرهنگ و فرایند پیوست فرهنگی، باید مدیریت شهری پنج معیار را در راستای نهادینه کردن این فرایند مد نظر داشته باشد:

الف) بسترسازی فرصت‌های فرهنگی متناسب با الگوی پیشرفت فرهنگی و بومی جامعه شهری؛

ب) جلب مشارکت فرهنگی شهروندان نظام اسلامی در گسترش فرایند توسعه فرهنگی و افزایش سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و انسانی محلات شهری؛

ج) کنترل و پیشگیری از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی ناشی از تغییرات و تحولات طرح‌های خدماتی، اقتصادی و عمرانی در سطح محلات شهری؛

د) تقویت و بازسازی هویت ایرانی و اسلامی در مقابله با بحران‌های هویتی و تهاجم پایدار فرهنگی؛

ه) ترغیب، تقویت و ارتقای فرهنگی نظام اسلامی به عنوان اصلی‌ترین بستر و تکیه‌گاه پیشرفت و استقلال پایدار جامعه.

اجزای پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

در جامعه اسلامی که شهروندان در کنار هم زندگی و کار و تلاش می‌کنند و روابطشان بر اساس قواعد قراردادی با توجه به نقش‌ها و وظایفشان شکل می‌گیرد، بر این اساس موقعیت اجتماعی و فرهنگی خود را در جامعه مشخص کرده، بر اساس ساختار و تشکیلاتی که بر نظام روابط اجتماعی آن جامعه حاکم است، راه و روش زندگی خود را در قالب فرهنگ موجود در جامعه تنظیم می‌کنند.

در راستای شکل‌گیری این فرایند در جامعه اسلامی، می‌توان بخشی از اجزای توسعه آن را در جامعه، تهدیدهایی دانست که باعث شدند مقام معظم رهبری ضرورت پیوست فرهنگی را مطرح فرمایند. در حال حاضر و در آینده به دلیل نبودِ ابزاری با کارکردهای

متصور برای پیوست فرهنگی، نظام مقدس جمهوری اسلامی با تهدیدهای عمده ذیل روبه‌رو خواهد بود:

۱. توسعه نامتوازن و تخریب بنیان‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی و اسلامی در جامعه؛
۲. آسیب‌پذیری جدی فرهنگی در مقابل تعاملات و تهاجم‌های سنگین سایر فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ غرب در عصر حاضر، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛
۳. باقی ماندن هدفگذاری‌های کلان فرهنگی در حد شعار و لایه سطحی جامعه و عدم دستیابی به چشم‌انداز مطلوب بر اساس آرمان‌های ذاتاً فرهنگی نظام مقدس اسلامی؛
۴. فراگیر شدن و اشاعه تضادهای اجتماعی، فرهنگی و مخرب در جامعه اسلامی، بحران هویت فرهنگی، اختلاط هویت (ایرانی، اسلامی و غربی) در بین شهروندان از جمله نسل جوان و نوجوان جامعه و ابعاد نامطلوب و نگران‌کننده این چالش‌ها در عرصه‌های مختلف جامعه؛

۵. عدم بهره‌وری و ناکارآمدی ابعاد مختلف توسعه در جامعه، به دلیل ناهماهنگی با سازه‌ها و ساختارهای نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی ایران؛

۶. تحمیل هزینه‌های سنگین در خصوص ترمیم و اصلاح مسیرهای توسعه‌ای طی شده، در دراز مدت جهت افزایش بهره‌وری و کارآمدی و...» (بنیانیان، ۱۳۹۰: ۷۵)

همچنین در راستای گسترش اجزای پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری، یک‌سری از نقاط قوت می‌توانند نقش بارزی در مدیریت راهبردی و اجرایی کارگزاران فرهنگی داشته باشند که در صورت اجرای دقیق این فرایند از سوی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی در جامعه، تهدیدها تبدیل به فرصت شده و در نتیجه، هویت اسلامی و ایرانی جامعه بازتولید فرهنگی خواهد شد؛ از جمله:

۱. پیوست فرهنگی فرصتی قابل توجه برای طراحی و مدیریت توسعه متوازن را در اختیار مدیران، مسئولین و برنامه‌ریزان دولتی و غیردولتی جامعه خواهد گذاشت.
۲. پیوست فرهنگی فرصتی واقعی برای جاری ساختن سیاست‌های کلان فرهنگی در موضوعات و ابعاد مختلف و تحقق آرمان‌های نظام اسلامی در اختیار مدیریت اجرایی و کلان‌نگر نظام اسلامی می‌گذارد.
۳. پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری کلیدی و راهگشا می‌تواند فرصت و زمینه ایجاد مصونیت فرهنگی و تقویت هویت ملی و اسلامی را در اختیار بگذارد.

۴. پیوست فرهنگی فرصت تازه و آزمایشگاه فوق‌العاده‌ای برای آزمون و خطاهای مورد نیاز در طراحی و تدوین و ترسیم دقیق مهندسی فرهنگی جامعه محسوب می‌شود.
۵. پیوست فرهنگی فرصتی مغتنم برای ایجاد تعادل اجتماعی در ابعاد اقتصاد، فرهنگ و سیاست محسوب گشته، به همین دلیل می‌تواند نقش عمده‌ای در افزایش بهره‌وری پایدار در جامعه ایفا کند». (همان: ۷۸)

کارکردهای فرایند پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

از بُعد جامعه‌شناختی، پدیده‌های اجتماعی و فرایندهای فرهنگی با توجه به نقش و ضرورتی که در جامعه دارند، امری سودمند و عمومی تلقی شده، در کنار ضرورت‌شان، می‌توانند برای جامعه کاربرد و کارکرد نیز داشته باشد. فرایند پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری، با توجه به اهمیتی که از سوی رهبر معظم انقلاب به آن شده است، در شرایط حاضر کارکردهای مؤثری در حوزه تقویت فرهنگ اسلامی، حفظ میراث فرهنگی، پیشگیری از آسیب فرهنگی، نقشه راهبردی در حوزه تأثیرات مدیریت فرهنگی طرح‌های اقتصادی و عمرانی، بازتولید هویت اسلامی، ایرانی و بومی شهرها خواهد داشت.

الف) موقعیت مفهومی پیوست

فرایند پیوست فرهنگی در جامعه اسلامی از بُعد مفهومی، پدیده‌ای است که در هدایت نظام اسلامی به منزله یک اصل و ابزار فرهنگی، ضروری و لازم به نظر می‌رسد. به وسیله این فرایند می‌توان به کنترل و مدیریت راهبردی فرهنگی جامعه شهری پرداخت و بر اساس آن، نقاط ربط و تعامل ارگانیک ابعاد اجتماعی نظام مدیریت شهری؛ یعنی اقتصاد، فرهنگ، عمران و خدمات شهری را مورد ارزیابی و نظارت دائم و مستمر قرار داد. نظارت راهبردی و مستمر از طریق اجرای این فرایند، توسط ابزارها و نتایج آن در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت، توازن و بهره‌وری در مسیر توسعه و تعالی همه‌جانبه جامعه و حفظ و صیانت از ارزش‌ها و اصول نظام اسلامی را به دنبال خواهد داشت. بنابر این، موقعیت مفهومی این فرایند در جامعه شهری می‌تواند یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین ابزارها در مدیریت تأثیرات و تأثرات بین فرهنگ و سایر ابعاد اجتماعی جامعه باشد.

ب) جایگاه کارکردی پیوست

در فضای تعاملات میان سیستم‌های اجتماعی «فرهنگ، سیاست و اقتصاد»، تحقق





برخی نسبت و تناسب‌ها ضروری و حیاتی به نظر می‌رسند که نظام مدیریت شهری تا حدود زیادی فاقد ابزارهای دقیق در این خصوص است. این کارکردها که ضرورت وجود ابزارهایی چون پیوست فرهنگی را اثبات می‌کنند، عبارتند از:

۱. تعیین و تطبیق مصداقی تأثیرات و تأثرات ابعاد اجتماعی فرهنگ، سیاست و اقتصاد در مسائل و موضوعات مختلف. به عنوان مثال، ابزاری نیاز داریم تا به ما نشان دهد یک پروژه یا تصمیم خاص اقتصادی چه عوارض و تأثیرات فرهنگی و در چه ظرفی از مکان یا زمان به دنبال دارد. (کارکردی که بر اساس آن صرفاً تأثیرات و تأثرات نشان داده می‌شود).

۲. اندازه‌گیری و سنجش وضعیت و عوارض یک طرح، پروژه یا تصمیم، با استانداردهای مشخص شده در اسناد و راهبردهای کلان نظام و احراز هم‌جهتی و همسویی آن با استانداردهای موجود در سایر ابعاد اجتماعی خصوصاً فرهنگ، پیش از اجرا و عملیاتی شدن آن تصمیم یا طرح. به عنوان مثال، مشخص شود که نتایج و عوارض یک پروژه و تصمیم سیاسی آیا مطابق نقشه مهندسی فرهنگی کشور و شاخصه‌ها و معیارهای موجود در آن است یا نیست؟ و آیا این تصمیم سیاسی اصولاً در مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی نظام اسلامی قابل تعریف است یا خیر؟ (کارکردی که بر اساس آن به سنجش و اندازه‌گیری و در نهایت، کنترل پیش از اجرا پرداخته می‌شود).

۳. لازم است برای حذف یا کاهش عوارض منفی یا ایجاد یا تقویت کارامدی و بهره‌وری در خود یک تصمیم یا طرح و پروژه و در تأثیرات آن در سایر ابعاد اجتماعی، در نقطه‌ای مشخص از فرایندهای طراحی و اجرای هر تصمیم، طرح یا پروژه، تدبیرهای لازم در قالبی مشخص و همراه با ضمانت اجرایی لازم ضمیمه آن شود. به عنوان مثال، لازم است در خصوص طرح عمرانی کلانی که تأثیرات مختلف فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی - امنیتی به دنبال دارد، در زمان مشخصی از مراحل طراحی و معماری و اجرای طرح پس از تحقق کارکردهایی که در بندهای قبلی ذکر شد، تدابیر لازم‌الاجرا برای کاهش عوارض یا افزایش بهره‌وری ضمیمه برنامه جهت عملیاتی شدن شود. (کارکردی که بر اساس آن، تدابیر لازم در جهت کاهش عوارض یا افزایش بهره‌وری، ضمیمه فعالیت‌ها می‌شود).

۴. پس از اجرای یک تصمیم و پروژه لازم است صحت اجرا و کیفیت اجرا در



خصوص تدابیر اندیشیده شده در مورد کاهش عوارض منفی و افزایش بهره‌وری، مورد بازبینی و بازخورد گیری قرار گیرد تا میزان موفقیت تدابیر از سویی و میزان تأثیرات منفی یا بهره‌وری، قابل رصد و اندازه گیری باشد. (کارکردی که بر اساس آن سنجش و اندازه گیری پس از اجرای فعالیتها محقق می‌شود).

۵. بسیاری از فعالیت‌ها، تصمیمات، طرح‌ها و پروژه‌ها در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نظام در طول سه دهه از عمر انقلاب به اجرا گذاشته شده است. لازم است نسبت به اصلاح و بهینه‌سازی این فعالیت‌ها از حیث تأثیراتی که بر سایر ابعاد اجتماعی می‌گذارند و عوارض منفی که به دنبال داشته‌اند، فرایندی شامل بازشناسی عوارض و کارامدی و ارائه تدابیر ترمیمی انجام گیرد. به عنوان مثال، برنامه‌ای اقتصادی یا فرهنگی مدتهاست در کشور اجرا می‌شود و تا کنون هیچ توجهی به عوارض ثانوی آن در سایر ابعاد اجتماعی و نقش این عوارض در کاهش بهره‌وری آن برنامه نشده است. بنابر این، لازم است پس از بررسی و سنجش این برنامه در قالب و استاندارد مشخص، به ارائه تدابیر ترمیمی در خصوص آن پرداخت. (کارکردی که بر اساس آن سنجش و اندازه گیری و تدبیرات ترمیمی برای وضع موجود تصمیمات، طرح‌ها و پروژه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی محقق می‌شود.) «همان: ۶۵»

به نظر می‌رسد در شهرها در هر یک از ابعاد خدماتی، اقتصادی و عمرانی، می‌توان کارکردهای پیش‌گفته را در قالب ابزاری به نام پیوست فرهنگی دنبال کرد؛ به طوری که پیوست فرهنگی کارکردهای مذکور را در بُعد فرهنگی هر تصمیم، طرح یا پروژه محقق کند. در هر حال، آنچه بدیهی است پیوست فرهنگی علاوه بر وجه تسمیه خویش که بیانگر ایفای نقش ابزاری آن در قالب ضمیمه‌ای معنادار برای شفاف‌سازی وضعیت تصمیم‌گیری و مدیریت و اجرای طرح‌ها و برنامه‌هاست، در دقتی مفهومی، نشانگر پیوند و پیوستگی سیستمی و تعاملات غیر قابل چشم‌پوشی میان ابعاد مختلف اجتماعی نیز محسوب می‌شود. در واقع؛ پیوست، نقطه پیوند میان یک بعد از موضوع و مسئله را با سایر ابعاد توضیح داده، مطابق کارکردهای پیش‌گفته می‌تواند بهترین ابزار برای استانداردسازی عوارض یک طرح و برنامه در چارچوب تدابیر از پیش مشخص شده و همچنین سنجش کیفیت و کارامدی و میزان توازن یک طرح و برنامه با سایر ابعاد اجتماعی تلقی شود.



عرصه‌های پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

با کمال تأسف باید اذعان کرد تا کنون ابزاری برای تحقق عرصه‌های فرایند مذکور در نظام مدیریت شهری وجود نداشته و صرفاً ممکن است در موارد و مصادیق خاصی به صورت سلیقه‌ای و در قالب‌های غیر منسجم یا حتی ناکارآمد، این کارکردها مورد توجه قرار گرفته باشند؛ چرا که حاکمیت دیدگاه‌های بخشی و یکجانبه‌نگر، عملاً مسیر مدیریت و برنامه‌ریزی و اجرا را در ابعاد گوناگون به سوی حذف چنین کارکردهای حیاتی برای نظام اسلامی سوق داده است. اگر بخواهیم در سه عنوان، تأثیراتی که از ناحیه جبران این خلأ ابزاری برای تحقق عرصه‌های مذکور متوجه کشور می‌شود نام ببریم، می‌توانیم ادعا کنیم که پیوست فرهنگی موضوعیت می‌یابد تا: ۱. توازن لازم در مسیر توسعه و تعالی کشور میان انواع فعالیت‌ها و طرح و برنامه‌ها در ابعاد مختلف شکل بگیرد؛ ۲. بهره‌وری طرح‌ها و تصمیمات و برنامه‌ها با تزریق دیدگاه‌های سیستمی و ملاحظه ارتباطات میان ابعاد مختلف اجتماعی و تطبیق طرح‌ها و برنامه‌ها با نقشه مهندسی فرهنگی کشور محقق شود؛ ۳. از اهداف و راهبردهای کلان و اصول اعتقادی و ارزشهای اجتماعی نظام مقدس اسلامی در طول برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های مختلف صیانت شود.

ضرورت پیرامونی، در واقع خلأ و نیازی است که در ابعاد مختلف اجتماعی در سطح برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی فرهنگ شهری احساس می‌شود. در این خصوص مثال‌های فراوانی وجود دارد که می‌توانند مورد اشاره قرار گیرد. در این مجال به مرور برخی از این مثال‌ها به صورت گذرا می‌پردازیم.

۱. عرصه اقتصادی

برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی همواره در مقام اجرا، مجموعه متنوعی از عوارض و تأثیرات فرهنگی اجتماعی را به دنبال دارند. مثال‌های ذیل، بیانگر برخی از این عوارض و تأثیرات پیرامونی‌اند:

- الف) تصمیم‌های اقتصادی در بخش گسترش آپارتمان‌سازی و عوارض و تأثیرات مثبت یا منفی آن در اموری مانند بهداشت اخلاقی خانواده‌ها، سلامت روانی شهروندان و ...
- ب) پروژه‌های بزرگ شهری و برنامه‌های توسعه محلات شهری و عوارض و تأثیرات فرهنگی آن که به طور تفصیلی باید تشریح شود.
- ج) طرح‌های عمرانی بزرگراه‌ها، پل‌ها، پارک‌ها و ... که می‌توانند وضعیت محله‌ای را



که در مسیر آن‌ها قرار گرفته، به کلی دگرگون کنند و البته در این میان ممکن است برخی عوارض فرهنگی نیز به دنبال داشته باشند. بدیهی است در صورت پیش‌بینی این عوارض، می‌توان با تدابیر و طراحی سازوکارهایی، از بروز عوارض منفی آن جلوگیری کرد.

۲. عرصه فرهنگی

برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های فرهنگی نیز به صورت مستقیم و غیر مستقیم مجموعه‌ای از تأثیرات و عوارض مثبت و منفی را به دنبال دارند. مثالهای ذیل می‌توانند نمونه‌هایی از این دست تلقی شوند:

الف) توسعه فضاهای دانشگاهی در مناطقی که بافت فرهنگی خاص دارند؛ عوارض رفت و آمد دانشجویان با فرهنگ‌های متفاوت در آن محلات، نمونه‌ای از این تأثیرات است. ب) توسعه مناطق تفریحی و گردشگری بدون پیش‌بینی و در نظر گرفتن تدابیر لازم جهت همسویی این مراکز با اهداف کلان فرهنگی نظام و شاخصه‌های ارزشی فرهنگ ایرانی-اسلامی، نمونه مناسب دیگری در تأثیرات اجتماعی فرهنگی برخی اقدامات و برنامه‌هاست.

ج) برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌های فرهنگی فاقد هدفگذاری‌های هم‌جهت با برنامه‌های فرهنگی کلان نظام و همچنین عدم تطبیق آن‌ها با شاخصه‌ها و استانداردهای بومی و دینی، منشأ تأثیرات تخریبی عمیقی بر پیکره فرهنگ عمومی می‌شوند که از پیامدهای قابل اشاره آن‌ها، برجسته‌سازی نمادها و نشانه‌ها و الگوهای غیر منطبق با فرهنگ هدف است.

نتیجه‌گیری

گسترش فرایند پیوست فرهنگی از بُعد پژوهش جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی، نقش بارزی در حذف تأخر فرهنگی و عقب‌ماندگی بین بخش مادی و معنوی فرهنگ شهری خواهد داشت. ضرورت این پیوست در عرصه مدیریت شهری جامعه امروز برای این است که بتوان شناخت کافی در مورد نیازهای پایدار محلات کسب کرد و با ارزیابی و آموزش‌های مداوم و مستمر در حوزه اجرای طرح‌های توسعه جامعه، شهروندان را با نحوه مطلوب بهره‌برداری از پروژه‌ها آشنا کرد.

با توجه به این مسئله، فرایند اجرای پیوست فرهنگی در شهرها برای رسیدن به

توسعه پایدار انسانی با محوریت فرهنگ ایرانی-اسلامی برای جامعه ضرورت دارد. فرایند پیوست فرهنگی در راستای اجرای طرح مهندسی و مدیریت فرهنگی، حامل پیام ویژه‌ای برای عملیاتی کردن ایده‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی در فضای عمل اجتماعی، خدماتی، اقتصادی و عمرانی در شهرها خواهد بود. در فرایند اجرایی پیوست فرهنگی؛ حفظ میراث فرهنگی جامعه در سطح ملی و جهانی، حفظ شیوه زندگی اسلامی-ایرانی، تقویت ارزش‌های والای ایرانی و قومی، بهبود مستمر و استقرار اعتقادات، ارزش‌ها و جهان‌بینی اسلامی در تمامی روابط مدیریت شهری و ارتقای اخلاق اصیل انسانی و اسلامی در شهر، پایه‌ریزی هویت مشترک فرهنگ اسلامی-ایرانی در شهرها برای مقابله با استکبار جهانی، مقابله با تهاجم فرهنگی و تهدیدات جنگ نرم، به عنوان اصول کارکردی ضرورت پیوست فرهنگی در عرصه مدیریت شهری، باید مورد اهتمام قرار گیرد.

فرایند پیوست فرهنگی در کاهش تضادهای فرهنگی و سیاسی، نهادینه شدن مشارکت همه‌جانبه و پایدار شهروندان و جامعه مردم‌سالار دینی نقش بارزی دارد. اجرای فرایند پیوست فرهنگی در حوزه ارتقای سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و فرهنگی؛ پرورش استعدادها، خلاقیت‌ها و نوآوری در عرصه‌های مختلف را همراه با کارآفرینی و پویایی ایجاد می‌کند. با ایجاد چنین زمینه‌هایی در سطح جامعه شهری، این فرایند نقش بارزی در کنترل و نظارت نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خواهد داشت و نارسایی‌های بخش‌های مختلف توسعه را شناسایی کرده، با تکیه بر هویت اسلامی-ایرانی، چاره‌سازی خواهد کرد.

فرایند پیوست فرهنگی؛ احیا و تقویت فرهنگ اسلامی، شناخت و اصلاح موانع فرهنگی، افزایش اثربخشی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... را تسریع می‌بخشد. این فرایند در عرصه مدیریت شهری با اهداف ذکر شده، افزایش پیامدهای مثبت فرهنگی پروژه‌های در حال اجرا، کاهش آسیب‌های فرهنگی طرح‌ها و برنامه‌ریزی دقیق اجتماعی و فرهنگی را برای جامعه به دنبال خواهد داشت.

وجود نظم فرهنگی در جامعه، یکی از اجزای اصلی فرایند پیوست فرهنگی است؛ شناخت واقعی فرهنگ شهری برای بسترسازی طرح‌های خدماتی، عمرانی، زیباسازی و اقتصادی نیز امری لازم و ضروری است. توازن‌بخشی در عرصه‌های توسعه پایدار هم می‌تواند از دیگر اجزای اصلی فرایند پیوست فرهنگی باشد. بر این اساس، فرهنگ و

توسعه آن از طریق فرایند پیوست فرهنگی منجر به پیشرفت زندگی جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی خواهد شد. با توجه به این نقش و وظایفی که از بُعد جامعه‌شناختی بیان شد، در سطور ذیل اشاره به برخی راهبردها و برنامه‌ها اشاره می‌شود.

راهبردها و راهکارها:

- تصویب مصوبات قانونی و اداری از سوی شوراهای اسلامی شهر در خصوص لزوم و ضرورت اجرای پیوست فرهنگی در بین سازمان‌های مختلف حوزه مدیریت شهری.
- تهیه پیوستار عملیاتی و کاربردی ابعاد فرهنگی در اجرای پروژه‌ها و طرح‌های توسعه‌مند محلات شهری.
- اهتمام ویژه به اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در راستای نهادینه‌سازی اصول اسلامی، اخلاقی و ایمانی در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری.
- تدوین پیوست‌نگاری فرهنگی در حوزه ارتقای اخلاقی و معنوی مدیریت شهری در راستای پایداری هویت اسلامی، ایرانی و بومی شهرها.
- پیش‌بینی هر گونه روند مثبت و منفی در اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری از سوی مدیریت شهری.
- ارزیابی و اثربخشی فرهنگی و اجتماعی طرح‌های توسعه‌مند شهری در سطح محلات.
- آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی مستمر به شهروندان در خصوص اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری.
- اهتمام ویژه مدیران و برنامه‌ریزان دولتی و غیر دولتی به تدوین سیاست‌های فرهنگی برای طرح‌های توسعه پایدار شهری.
- توجه مدیران و مسئولان شهری به رصد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عمرانی نیازهای محلات شهری.
- پیشگیری از بی‌هدفی و باری به هر جهت بودن طرح‌های توسعه شهری از طریق مدیریت مشارکتی و نظارت مستمر، نه بر پایه دستور دادن و فشار اداری، سیاسی و ...
- پیشگیری از تصادم و تضادهای فرهنگی در طرح‌های محله‌ای.



- تأکید بر شاخص‌های ارتقای سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، انسانی در طرح‌های توسعه پایدار شهری.
- ارزیابی مستمر آسیب‌های طرح‌های توسعه پایدار شهری و ارائه تدابیر عملی برای حل چالش‌ها و موانع شهری.
- بسترسازی در راستای تحرک فرهنگی در طرح‌های توسعه شهری برای ایجاد مشارکت پایدار و پویای شهروندان.
- تقویت و استمرار اخلاق اسلامی و کرامت انسانی در طرح‌های توسعه شهری.
- تدوین برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی در راستای حذف الگوهای رفتاری مخرب در تمام زمینه‌ها در سطح شهر.
- نظارت بر تقسیم عادلانه درآمدهای شهری برای طرح‌های توسعه پایدار شهر؛ نه اختصاص بودجه‌های اقتصادی به طرح‌های توسعه‌مند تک‌بعدی در شهر.
- سرمایه‌گذاری بر روی پرورش استعدادها و خلاقیت‌های نخبگان و حفظ آن‌ها.
- حفظ احترام متقابل به حقوق شهروندان در تمام برهه‌های زمانی و مکانی و پرهیز از شعارهای تبلیغاتی در عرصه‌های شهروندی در هنگام مشارکت‌های شهری.
- جلوگیری از برنامه‌های سطحی‌نگر و بدون ساختار توسعه‌مند برای حل مسکنی مشکلات شهر و تدبیر در راستای حل ساختاری معضلات و مشکلات جامعه شهری.
- برنامه‌ریزی برای رشد فضایل اخلاقی و اسلامی و پیشرفت معنویات عمیق و نهادینه‌شده در بین محلات شهری.
- برنامه‌ریزی فرهنگی در راستای تقویت رفتارها و نمادهای اسلامی در سطح شهر.
- برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در راستای حفظ و تقویت پویایی تمدن اسلامی- ایرانی در عرصه کلان‌شهرها که نقش بارزی در جهان اسلام دارند.
- تدوین متون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از تجربیات ارزنده انقلاب اسلامی به صورت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری.
- بسترسازی سواد رسانه‌ای برای ارتقای فرهنگی و هویت اسلامی، ایرانی و بومی.
- تقویت برنامه‌های عمیق فرهنگی در راستای پاسداشت میراث فرهنگی- اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ انقلاب اسلامی و ارزش‌های دفاع مقدس.
- توجه به ابعاد کمی و کیفی ارتقای سطح زندگی شهروندان.



- توجه به شناخت عمیق نسبت به فرهنگ اقتصادی جامعه شهری.
- بررسی عوارض و پیامدهای بی‌توجهی به فرهنگ در محلات شهری.
- مطالعه برای شناخت توانمندی‌های عمیق و مشارکتی مدیران، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه.
- مطالعه عمیق توسعه دانشگاهی و بررسی عوارض پیامدهای نامطلوب فرهنگی در مناطق مختلف.
- بسترسازی برای گسترش توسعه فرهنگ گردشگری، با توجه به توانمندی‌های جامعه شهری.
- برپایی جشنواره‌ها و همایش‌های فرهنگی به صورت عمیق نه سطحی‌نگر در شهر.
- تدوین برنامه‌های فرهنگی در حوزه ترغیب به نظم و انسجام‌بخشی در فعالیت‌های شهری.
- مطالعه عمیق نسبت به شناخت فرهنگ محلات و حل معضلات، مشکلات و حافظه منفی تاریخی در مورد محلات از طریق ترغیب و تشویق انسجام‌بخش و برنامه‌ریزی شده در بین محلات شهری.
- حمایت از تشکّل‌ها و انجمن‌های فرهنگی برای بسط و گسترش هویت اسلامی-ایرانی در شهر، بدون جبهه‌گیری سیاسی و اعتقادی.
- تشویق و ترغیب هنرمندان، خلاقان و نخبگان متعهد در زمینه عرصه‌های پایدار توسعه پایدار شهری.

منابع:

- بنیانیان، حسن. (۱۳۹۰). پیوست فرهنگی: ضرورت‌های وجودی، راهکارها و فرایندهای تدوین آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رضایی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). «درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه‌شناسی و تبیین مفهومی پیوست فرهنگی». تاریخ دریافت ۹۱/۱/۱۹. قابل دسترس در: www.foeac.ir.
- فردرو، محسن. (۱۳۸۶). آشنایی با اصول برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فرهنگی. تهران: عباسی.
- فردرو، محسن. (۱۳۸۹). ابعاد موضوعی پیوست فرهنگی. تهران: عباسی.
- فردرو، محسن. (۱۳۸۸). دفاع غیر عامل از دیدگاه انسان‌شناسی، تهران: رمز.
- فردرو، محسن. (۱۳۸۵). مدیریت فرهنگی ۱ و ۲. تهران: مه‌آسا.
- فردرو، محسن و همکاران. (۱۳۸۰). جامعه و فرهنگ، ش ۳. تهران: مدرس.



- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۸). **مقدمات جامعه‌شناسی**. تهران: دوران، چ سوم.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۱). «چارچوب تهیه پیوست فرهنگی». تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۲۲. قابل دسترس در سایت مجلس شورای اسلامی.
- ناظمی، مهدی. (۱۳۸۴). «مهندسی فرهنگی کشور؛ تحلیلی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری». قابل دسترس در سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ناظمی، مهدی. (۱۳۸۵). **تحلیلی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص مهندسی فرهنگی کشور**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نکویی فرد، ام‌البنین. (۱۳۹۱). **شهر و کارکردهای اجتماعی آن**. تهران، کویر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی